

Investigating the criminology of disclosure of genetic data Abstract

بررسی جرم‌انگاری افشای داده‌های ژنتیکی

Seyed Mohammad Amin Hosseini <sup>1\*</sup>, Mehdi Narimanpour <sup>2</sup>

سید محمد امین حسینی <sup>۱\*</sup>، مهدی نریمانپور <sup>۲</sup>

1- PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

۱- دانشجوی دکتری، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

2- PhD student, Department of Jurisprudence and Private Law, Shahid Mottahari University, Tehran, Iran.

۲- دانشجوی دکتری، گروه فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

Received Date: 2020/04/25

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶

Accepted Date: 2020/07/20

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

Abstract

چکیده

"Gene" is one of the most special physical characteristics of individuals and "genetic data" is one of the scientific achievements of the modern age that includes the study of human stem cells and is very important today and in the detection and treatment of disease, identification, crime And many other things help the community. It is also used to make biological weapons and to kill and modify human stem cells. This research, which has been done by analytical-descriptive method, has examined the jurisprudential rules of stealing genetic information. In this study, while expressing the importance of genetic information, theft of genetic information is criminalized and according to the quality and purposes of theft, one of the provisions of theft and espionage can be applied to this crime. Other categories of crime, including moharebeh and corruption on earth, are not applicable to the theft of genetic information due to criticism

«ژن» یکی از خاص‌ترین ویژگی‌های جسمی افراد است و «داده‌های ژنتیکی» از جمله دستاوردهای علمی عصر جدید است که مطالعه بر روی سلول‌های بنیادی انسان را شامل می‌شود. داده‌های ژنتیکی کاربردهای فراوانی دارد؛ این کاربردها گاهی در جهت مثبت است، همچون کشف و درمان بیماری، تشخیص هویت، کشف جرائم و بسیاری موارد دیگر که به جامعه کمک می‌کند؛ گاهی در جهت منفی است، همچون ساخت تسلیحات بیولوژیکی و نسل‌کشی و تغییر در سلول‌های بنیادی انسان‌ها و سایر مواردی که مفسده‌انگیز است.

این تحقیق که به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده است، به بررسی احکام فقهی افشای اطلاعات ژنتیکی پرداخته است.

باتوجه به اینکه افشای اطلاعات ژنتیکی از اعمالی است که ذاتاً و اقتضائاً ذی‌المفسده نیست، لذا جرم تلقی نمی‌شود، بلکه در صورتی که در جهت منفی به‌کار بسته شود، جرم‌انگاری می‌شود. باتوجه به کیفیت و اهداف افشاء، می‌توان یکی از احکام سرقت و جاسوسی را بر این جرم تطبیق داد. سایر عناوین جرم از جمله محاربه و افساد فی الارض باتوجه به نقدهای وارد شده، قابل انطباق بر افشای اطلاعات ژنتیکی نیست.

**Keywords:** theft, genetics, espionage, moharebeh, corruption on earth.

**کلیدواژه‌ها:** سرقت، ژنتیک، جاسوسی، محاربه، افساد فی الارض.

## مقدمه

سرقت اطلاعات ژنتیکی پدیده‌ای نوظهور در جهان به شمار می‌رود که تحت پوشش ظاهری کمک به بیماران صعب‌العلاج و نیازمند اهدای خون و یا سلول‌های زیستی، در چارچوب بانک‌ها و ذخایر جهانی زیستی، مطرح گردیده است. البته در این زمینه اهداف درمانی و پزشکی نیز مطرح نظر است؛ اما جهات سوءاستفاده از اطلاعات ژنتیکی، بحث افشای اطلاعات ژنتیک را به‌عنوان موضوعی مهم در سطح امنیت ملی یک کشور مبدل ساخته است.

در حال حاضر، دولت‌هایی نظیر آمریکا، انگلیس، کانادا، روسیه و چین از بزرگ‌ترین ذخایر ژنتیکی برخوردار هستند. ذخایری که فقط برای درمان بیماری‌هایی چون لوسمی و یا برخی از سرطان‌ها قابلیت بهره‌گیری را ندارند، بلکه این امکان وجود دارد که در زمینه‌های دیگری نیز آن‌ها را مورد استفاده قرار دهند. چنین فرایندی این امکان را فراهم می‌نماید که جنگ‌افزارهایی زیستی با قدرت ایجاد نقص ژنتیکی در سلول‌های یک تیره خاص از بشر تولید گردد. این امکانات می‌تواند جنگی خاموش را موجب شود و به یک کشور یا یک گروه، امکان ایراد صدمه به دشمنان را به‌طور مخفیانه فراهم آورد. با مسلط شدن بر کدهای ژنتیکی جوامع و نژادهای مختلف می‌توان ویروسی را ایجاد کرد که صرفاً به دارندگان یک خصوصیت ژنتیکی در ساکنان منطقه‌ای خاص از جغرافیای انسانی، آسیب وارد نماید. متأسفانه در کشور ما قوانین و ضمانت‌های اجرایی لازم برای صیانت از نمونه‌های ژنتیکی وجود ندارد و همین امر باعث می‌شود که برخی مراکز اعم از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و ... که با بانک‌های جهانی مرتبط هستند، اقدام به فعالیت‌های قانونی و درعین حال انتقال اطلاعات ژنتیکی افراد به بانک‌های جهانی بدون در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی بنمایند.

این پژوهش ضمن بیان کاربردهای ژنتیک و مطالعات مرتبط به آن، به بررسی این موضوع پرداخته است که اگر شخصی به صورت غیر قانونی اطلاعات ژنتیکی کشور را به‌نحوی افشا کرد، خواه به‌نحو جزئی، خواه به‌نحو کلی، خواه افشاء آن در داخل کشور باشد و خواه تحویل آن به خارج از کشور، چه احکامی بر آن مترتب می‌شود و حکم کیفری او چیست؟

در مورد اطلاعات ژنتیکی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است و هر کدام از این پژوهش‌ها جنبه‌های گوناگون اطلاعات ژنتیکی را بررسی کرده‌اند، از جمله: مقاله محمود عباسی و دیگران با عنوان «حمایت قانونی از اطلاعات ژنتیکی؛ ساختارها و رویکردها»، مقاله علی محمدی با عنوان «تهیه بانک اطلاعات ژنتیک جهت تعیین هویت افراد در حوادث و جرایم»، مقاله محمد معین منتظری و دیگران با عنوان «اطلاعات ژنتیکی و حمایت قانونی از آن»، مقاله سودابه جولایی و دیگران با عنوان «ژنتیک و موضوعات اخلاقی آن»؛

در پژوهش‌های مذکور جنبه‌های از جمله: لزوم تهیه بانک اطلاعات و حمایت قانونی و ملاحظات اخلاقی مورد تأکید واقع شده است، با این وجود یکی از خلأهای موجود در رابطه با مطالعات اطلاعات ژنتیک، بحث جرم‌انگاری آن در مواردی است که منجر به سوءاستفاده از این اطلاعات می‌شود. حسب جست‌وجو و تفحص پژوهش فقهی مستقلی در حوزه جرم‌انگاری اطلاعات ژنتیک صورت نگرفته است، با توجه به اینکه اطلاعات ژنتیکی از اطلاعات حیاتی کشور است، لذا مقتضی است به بیان احکام کیفری و جرم‌انگاری آن پرداخته شود.

## ۱- تعریف ژنتیک و کاربردهای آن

### ۱-۱- تعریف ژنتیک

ژنتیک مشتق از ژن است. ژنها قطعاتی از یک کروموزوم هستند که اطلاعات مورد نیاز برای یک مولکول DNA یا یک پلی پپتید را دارند (آسا، ۱۳۹۷، ۱۰). «ژنتیک» کلمه‌ای غیرفارسی است که در معادل‌سازی آن به زبان فارسی از واژه «آفرینش‌شناسی» استفاده شده است. علم ژنتیک بخشی از دانش زیست‌شناسی است که به وراثت و تفاوت‌های جانداران می‌پردازد. با استفاده از قوانین و مفاهیم موجود در این دانش می‌توانیم به همانندی یا ناهمانندی دو جاندار نسبت به یکدیگر پی ببریم و بدانیم که چگونه و چرا چنین همانندی یا ناهمانندی در داخل یک جامعه گیاهی یا جانوری، به وجود آمده است (همان، ۱۵). علم ژنتیک علم انتقال اطلاعات بیولوژیکی از یک سلول به سلول دیگر، از والد به نوزاد و بنابراین از یک نسل به نسل بعد است. ژنتیک با چگونگی این انتقال که مبنای اختلالات و تشابهات موجود در ارگانسیم‌هاست، سروکار دارد. علم ژنتیک در مورد سرشت فیزیکی و شیمیایی این اطلاعات نیز صحبت می‌کند (بلورچیان، ۱۳۹۴، ۳۲۵).

### ۱-۲- کاربردهای ژنتیک

مطالعات ژنتیک، به تبع داده‌های ژنتیکی کاربردهای بسزایی دارد؛ این کاربردها دارای دوسویه است؛ بدین صورت که هم می‌توان در جهات مثبت از آن بهره برد و هم در جهات منفی.

مهم‌ترین کاربردهای مثبت مطالعات داده‌های ژنتیکی عبارت‌اند از:

#### ۱. شناسایی ضعف‌های وجودی انسان

شناسایی استعداد انسان برای بیماری‌ها و وجود بیماری‌های ژنتیکی و غیرژنتیکی، نقاط قوت و ضعف وی و تولید داروها و محصولات برای بهبود یا تحت‌الشعاع قرار دادن او انجام شود، با دسترسی به DNA آن نژادهای جمعیتی میسر می‌شود (امین صادقی، رویا مطلبی، ۱۸۵). مطالعات ژنتیکی در تشخیص ضعف‌های

تشکیل نرمال بدن انسان از قبل از تولد بسیار کمک کرده است؛ به طوری که در اوایل بارداری با آزمایش‌های مختلف می‌توان تشخیص داد نوزادی که هنوز در رحم مادر شکل نگرفته، دارای چه نقص‌هایی خواهد بود. حتی می‌توان از همان موقع پیش‌بینی کرد که کدام قسمت از بدن او حین تولد دارای نارسایی خارج از حالت معمولی و دقیقاً به چه صورت خواهد بود. امروزه از آزمایش‌های و مطالعات ژنتیکی برای جلوگیری از تولد نوزادان دارای نقص اساسی در بدن جلوگیری می‌شود. همچنین با آزمایش‌های ژنتیکی اختلالات جنسی فرد (جنین) در آینده قابل تشخیص است (جهانگیر بلورچیان، ۱۳۹۴، ۳۰).

## ۲. استفاده‌های درمانی از نتایج مطالعات

یکی از کاربردهای اصلی نتایج مطالعات ژنتیکی، استفاده‌های درمانی است. ژن واحد پایه فیزیکی و عملکردی وراثت است. ژن درمانی جهت جبران ژن‌های غیرطبیعی یا تولید یک پروتئین سودمند برای ورود ماده ژنتیک به سلول‌ها طراحی شده است. اگر ژن جهش‌یافته سبب تولید نادرست یا عدم تولید یک پروتئین ضروری شود، ژن درمانی قادر است یک نسخه نرمال از ژن را برای بازیابی عملکرد آن پروتئین وارد سلول کند (امین صادقی، رویا مطلبی، ۱۸۵).

## ۳. تشخیص هویت (کشف جرائم، شناسایی اجساد مجهول‌الهویه)

در راستای اجرای جزء یک بند (ز) ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی با هدف تسهیل و ارتقاء کیفیت رسیدگی به پرونده‌ها، قوه قضائیه با همکاری سازمان پزشکی قانونی، دادستانی کل کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف به تهیه شناسنامه ژنتیکی از افراد با بهره‌گیری از نیروهای متخصص و روش‌ها و تجهیزات کارآمد شد. در سال ۱۳۹۲ دستورالعمل تشکیل بانک هویت ژنتیک ایران توسط رئیس قوه قضائیه ابلاغ شد. برخی اطلاعات ژنتیکی افراد منحصر به فرد است و این می‌تواند در شناسایی مجرمین بسیار کاربرد داشته باشد. بانک‌های ژنتیکی با کاربرد هویتی و کمک به شناسایی مجرمین و تسریع حل پرونده‌های قضایی و جنایی در کشورهای پیشرفته دنیا شکل گرفته است (سید محمد اکرمی، امیر باستانی، ۱۳۸۷، ۵۳).

با وجود کارکردهای مهم و ارزشمند مطالعات و اطلاعات ژنتیکی که به برخی از آن‌ها اشاره شد، این اطلاعات می‌توانند در جهات منفی نیز به کار برده شود:

### ۱. تولید ویروس و آنتی‌ویروس

در عصر حاضر برخی کشورها و یا شرکت‌های تولید دارو به‌خصوص واکسن‌های پیشگیری از نوع خاصی از بیماری، به جهت فروش بیشتر محصولات خود، در یک کار از قبل طراحی شده، ابتدا واکسن به

مقدار بسیار زیاد تولید و انبار کرده، سپس با گسترش عمدی ویروس یا عامل بیماری، جامعه هدف خود را محتاج داروهای تولیدی خود می‌کنند تا از این طریق با فروش واکسن خود سودهای کلان نصیب کنند. برای این کار ابتدا لازم است جامعه هدف خود را از نظر ژنتیکی مورد مطالعه و آزمایش قرار دهند تا بتوانند با اطلاعات دقیق، عامل بیماری را طوری تنظیم کنند که بر آن نژاد اثر بگذارد (ویلیام انگدال، ۱۳۹۷، ۲۰۱).

## ۲. تولید جنگ‌افزار زیستی (بمب‌های نسل‌کشی)

یکی از کاربردهای نامشروع اطلاعات ژنتیکی، ساخت جنگ‌افزارهای زیستی است که نوعی نسل‌کشی محسوب می‌گردد. «تسلیمات نامتعارفی که بتواند با کمترین قدرت نابودی فیزیکی، بیشترین افراد با ژنتیک خاص را متأثر و یا نابود کند بسازند؛ یعنی از داده‌های ژنتیکی که به دست آورده‌اند، جنگ‌افزار (مشک یا هر نوع سلاح دیگری) را طوری طراحی کنند که با انفجار در هدف مورد نظر، موادی را ساطع و منتشر کند که به محض رسیدن به بدن انسان از طریق پوست یا تنفس وارد بدن شده و اثرات سوئی که مورد نظر آن‌هاست به‌مرور زمان در فرد ایجاد کند. این گونه سلاح‌ها می‌تواند در نژادهای خاص پاتوژن و مرگ‌آوری بیشتری ایجاد کند (جهانگیر بلورچیان، ۱۳۹۴، ۳۵).

۳. ایجاد تغییرات نسلی با سوءاستفاده از تغییرات مواد غذایی برای اثر بر انسان‌ها (جنگ بیولوژیک)  
یکی از اهداف سرقت‌های بین‌المللی داده‌ها و اطلاعات ژنتیکی افراد، سوءاستفاده از این اطلاعات برای تغییر در ژنتیک مواد غذایی است؛ به طوری که بر اساس اطلاعات ژنتیکی افراد جامعه هدف، مواد غذایی را طوری تغییر دهند که بر «ژن» آن‌ها اثر بگذارد و اهدافی مانند تغییر در نسل بر جامعه هدف محقق شود. این مقوله تحت عنوان «جنگ بیولوژیک» بحث شده است (ویلیام انگدال، ۱۳۹۷، ۲۵۰).

## ۲- شرایط جرم‌انگاری افشای اطلاعات ژنتیک

از نظر فقهای اسلام احکام تابع مصالح و مفاسد هستند؛ گرچه در این میان به اشاعره منسوب است که احکام تابع مصالح و مفاسد نیست؛ چراکه افعال خداوند غرضی را دنبال می‌کند. لذاست که این گونه افراد قائل به حسن و قبح شرعی هستند که در مقابل حسن و قبح عقلی است (مظفر، ۱۴۳۰، ۲۷۶/۲). با وجود مخالفتی اشاعره نظر غالب بر این است که احکام تابع مصالح و مفاسد است. با توجه به این مطلب، هر حکمی دایر بر افشای اطلاعات ژنتیک لزوماً باید منتهی به مصالح و مفاسد باشد، تا حکم فقهی آن روشن شود.

از طرف دیگر اشیاء و اعمال از سه حالت خارج نیستند: گاهی عمل یا شیء فی‌نفسه و ذاتی دارای مصلحت و یا مفاسد است، همچون ظلم که فی‌نفسه قبیح است و به تبع مفاسد‌انگیز است و مانند صداقت که

فی نفسه حسن و دارای مصلحت است؛ گاهی عمل یا شی دارای مصلحت و مفسده ذاتی نیست، بلکه عرضی است؛ همچون تعظیم شخص عالم که حسن است و تحقیر آن قبیح، لکن همیشه این گونه نیست، به عنوان مثال اگر تعظیم شخص عالمی باعث ظلم به دیگری شود، نه تنها حسن نیست، بلکه امر مذمومی است؛ گاهی عملی یا شی نه دارای حسن و قبح ذاتی است و نه دارای حسن و قبح عرضی است، بلکه خالی از هر دو عنوان است (مظفر، ۱۴۳۰، ۲/۲۸۴).

از میان سه عنوان مذکور، افشای اطلاعات ژنتیک را باید از جنس اعمال دسته سوم دانست؛ چراکه افشای اطلاعات ژنتیک نه دارای حسن و قبح ذاتی است و نه عرضی است؛ بلکه تابع اغراض و اهداف افشاءکننده است. شاهد بر این مدعا کاربردهای دوگانه افشای اطلاعات ژنتیک است؛ بدین ترتیب که اطلاعات ژنتیک هم دارای کاربردهای مثبت است و هم دارای کاربردهای منفی. بنابراین در افشای اطلاعات ژنتیک اهداف افشاءکننده نقش حیاتی در تعیین نوع حکم وی دارد و اگر در جهات کاربردهای منفی صورت گرفته باشد، عنوان جرم را به خود خواهد گرفت؛ چراکه کاربردهای منفی زمینه ساز اعمال مفسده انگیز است و در غیر این صورت جرم تلقی نمی شود.

### ۳- احکام کیفری مترتب بر افشای اطلاعات

همان طوری که در مبحث پیشین گفته شد، اگر افشای اطلاعات ژنتیک در جهت کاربردهای منفی باشد، جرم تلقی می شود؛ با توجه به این نکته، این سوال مطرح می شود که اگر شخصی اقدام به افشای اطلاعات در جهات منفی کرد، چه عنوانی از عناوین کیفری بر آن مترتب می شود؟ در این بخش از مقاله به بررسی عناوین مجرمانه خواهیم پرداخت که ممکن است بر سارق ژنتیک مترتب شود و به تبع آن مجازات شود. این اعمال عبارت اند از:

#### ۳-۱- سرقت

سرقت از جمله اعمال مجرمانه ای است که ممکن است، بر افشای اطلاعات ژنتیک صدق کند؛ لذا در این بخش بررسی خواهیم کرد که آیا مفهوم سرقت در اینجا محقق می شود یا نه؟

#### ۳-۱-۱- مفهوم سرقت

سرقت از ریشه «سرق» به معنی دزدیدن است (معلوف، ۱۳۸۰، ۱/۴۶۸) و در کتب فقهی تعاریف زیادی از سرقت شده است که بیشتر آن ها شبیه به هم هستند؛ در تعاریف فقهی از پدیده سرقت آمده است:

- «السرقه هی أخذ المال المحترم خفیه» (جزائری، بی تا، ۵۳).

- «السرقه: هی أخذ المال خفیه» (جمعی از مولفان، بی تا، ۱۵/۱۰۶).

- «السَّرْقَةُ هِيَ الْإِخْتِفَاءُ بِأَخْذِ الشَّيْءِ لَيْسَ لَهُ» (مرعشی نجفی، ۱۴۲۴، ص ۱۶۷).

- «إِنَّ السَّرْقَةَ هِيَ أَخْذُ الْمَالِ مِنَ الْحِرْزِ بِشَرْطِ الْخُفْيَةِ» (عمیدی، ۱۴۱۶، ۳/۶۴۹).

در فقه حنفی بیشتر فقها، اعم از متقدم و متأخر، اقدام به تعریف سرقت نموده‌اند. یکی از فقهای حنفی تعریفی شبیه به فقهای شیعه ارائه داده است که عبارت است از: «أَخْذُ مَالِ الْغَيْرِ عَلَى وَجْهِ الْخُفْيَةِ» (الحدادی الحنفی، ۱۳۲۲، ۲/۱۳۶). در تعریف دیگر نیز عنوان شده: سرقت عبارت است از گرفتن مال از دیگری است به صورت پنهانی و پوشیده؛ (سمرقندی، ۱۳۵۵، ۵۳). این تعریف نیز مشابه تعریف قبلی است.

دیگر فقیه حنفی، سرقت را دو نوع می‌داند و آن را به سرقت صغری و سرقت کبری تقسیم می‌کند، اما تعریف مشترکی برای آن‌ها ارائه می‌دهد و معتقد است ارکان و شروط تحقق آن‌ها در بیشتر موارد مانند هم است و در هر دو آن‌ها «أَخْذُ الْمَالِ خُفْيَةً» معتبر است؛ اما در سرقت صغری، پنهان بودن از مالک یا کسی که قائم‌مقام اوست مانند مودع و مستعیر، شرط است و در سرقت کبری، پنهان بودن از چشم امام که ملتزم به حفظ امنیت طرق مسلمین است، شرط است. وی در ادامه با اشاره به اینکه سرقت در لغت «أَخْذُ الشَّيْءِ...» است، نشان می‌دهد در نظر ایشان، بین استفاده از الفاظ «شیء» و «مال» در تعریف سرقت فرقی نیست. همچنین می‌گوید منظور از «اخذ»، هر چیزی است که به معنی آن و در حکم آن باشد نه اخذ به معنای لغوی آن (دمشقی حنفی، ۱۴۱۲، ۴/۸۲).

در فقه مالکی نیز آمده است: سرقت یعنی «گرفتن نصاب یا بیشتر از آن، توسط مکلف، از مال غیر که محترم و معصوم بوده بدون شبهه قوی، به‌طور مخفیانه، از حرزی که اذن دخول در آن را ندارد» (نفرای، ۱۴۱۵، ۲/۲۱۳).

فقهای شافعی نیز، اعم از متقدم و متأخر، عموماً تعریف یکسانی را از سرقت بیان نموده‌اند. در تعریف فقهای شافعی نیز از سرقت، همان تعریف مشهور که بسیاری از فقهای امامیه و اهل سنت بیان کرده‌اند، آمده است: «هِيَ الْأَخْذُ لِمَالِ الْغَيْرِ (خُفْيَةً) مِنْ حِرْزٍ مِثْلِهِ»؛ همان‌طور که پیداست در این تعریف نیز، مال موضوع سرقت واقع شده است و شرط «پنهانی بودن» نیز عنوان شده است (انصاری، بی تا، ۴/۱۴۶).

بسیاری از فقهای حنبلی نیز تعریفی از سرقت ارائه نداده‌اند و برخی از ایشان نیز تعریفی مشابه تعاریف فقهای شافعی و برخی دیگر از فقهای مذاهب ارائه داده‌اند و آن اینکه سرقت عبارت است از «أَخْذُ مَالٍ مُحْتَرَمٍ لَغَيْرِهِ وَ إِخْرَاجُهُ مِنْ حِرْزٍ مِثْلِهِ لَا شِبْهَةَ فِيهِ عَلَى وَجْهِ الْإِخْتِفَاءِ» (حجاوی مقدسی، بی تا، ۴/۲۷۴). پیداست که

در این تعریف نیز قیود «مال»، «حرز» و «پنهانی بودن» بیان شده است و در صورت عدم تحقق این قیود، فعل انجام شده سرقت نخواهد بود، بلکه در سایر محرمات همانند اختلاس و ... جای می‌گیرد. در تعریف فقیه دیگر این مذهب، آمده است: «السرقه؛ وهو أخذ المال مختلفاً، فإن اختطفه، أو اختلسه، فلا قطع علیه» (جماعیلی حنبلی، ۱۴۱۴، ۷۱/۴).

### ۳-۱-۲- انطباق مفهوم سرقت بر افشای اطلاعات ژنتیک

تعاریفی که از مذاهب خمسسه ذکر شد - به‌غیراز تعریفی که در فقه مالکی آمده است - نزدیک به هم هستند و در این تعاریف دو عنصر مهم در نظر گرفته شده است: مالیت، پنهانی بودن؛ بنابراین در صورت وجود دو عنصر مذکور سرقت تحقق پیدا می‌کند. با توجه به اینکه در نظر است انطباق «سرقت اطلاعات ژنتیک» بر تعریف فقهی سرقت بررسی شود، لازم است این قیود مورد کندوکاو واقع شوند و برای هر قید، بحث سرقت اطلاعات ژنتیک مورد ارزیابی قرار گیرد. اکنون به بحث در این قیود پرداخته می‌شود:

#### ۱. مالیت

یکی از مهم‌ترین قیود در تعریف سرقت، شاید مهم‌ترین قید آن‌که در بحث سرقت اطلاعات ژنتیک قابل بررسی است، بحث «مال» است. باید مفهوم مال مشخص شود تا بررسی شود که داده‌های ژنتیکی مالیت دارند تا موضوع سرقت واقع شوند یا خیر؟ برای این منظور لازم است به تعریف مال از دیدگاه فقها پرداخته شود.

فقیهان تعاریف متعددی از مال کرده‌اند. برخی شرط مال بودن اشیاء را دارا بودن منفعت عقلایی دانسته‌اند، یعنی هر چیزی که دارای منفعت مورد توجه عرف و عقلا باشد، از نظر این دسته از فقها مال است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۳/۲۲؛ انصادی، ۱۴۱۵، ۱۵۷/۱).

برخی چهار عنصر را در تحقق مالیت اشیاء مؤثر می‌دانند:

- ۱- آن شیء باید یکی از دو امری را که ذکر می‌گردد، حتماً دارا باشد: منفعت یا خاصیتی داشته باشد. مراد از منفعت، عبارت از: قابلیت انتفاع و بهره‌برداری از آن شیء هست؛ با این شرط که عین آن شیء باقی بماند؛ مثل سکونت خانه و سوارشدن بر حیوان؛ و مراد از خاصیت عبارت از: منافعی است که با بهره‌مند شدن از آن‌ها، عین آن شیء از بین می‌رود؛ مثل سیرشدن به وسیلهٔ نان که با تحقق سیری عین نان از بین می‌رود.
- ۲- در نظر عقلا نگهداری آن به لحاظ منفعت و یا خاصیتی که بر آن مترتب است صحیح باشد.



۳- چیزی باشد که عقلاً حاضر باشند به ازای به دست آوردن آن، مالی بپردازند؛ وگرنه مال محسوب نمی‌شود، مثل آب در کنار رودخانه. این سه امر از جهت عرفی در مالیت اشیا دخیل هستند.

۴- منفعت یا خاصیتی که به‌عنوان مقوم مال شمرده شده، مورد نهی شرعی قرار نگیرد؛ زیرا چیزی که نهی شارع به منفعت یا خاصیت آن متوجه گردد، وجود و عدم آن یکسان است؛ بنابراین مثلاً شراب مال نیست؛ زیرا ملاک مالیت آن مورد نهی قرار گرفته است (میرزای نایینی، ۱۴۱۳، ۲/۳۶۴).

برخی دیگر نیز گفته‌اند: مالیت یک اعتبار عقلایی است و دارای خصوصیتی است که موجب حادث شدن میل و رغبت مردم به آن می‌شود؛ به‌طوری‌که مردم در به دست آوردن آن باهم رقابت کرده و مسابقه می‌دهند و بر سر آن باهم نزاع می‌کنند.

البته رقابت به مجرد منافع موجود در اشیاء حاصل نمی‌شود؛ بلکه کمیابی آن نیز در تحقق سبقت و رقابت برای به دست آوردن لازم است؛ بنابراین آب در کنار رودخانه مال محسوب نمی‌شود (حکیم، بی تا، ۵/۱). با توجه به توضیحات و بیاناتی از فقه که در مورد «مالیت» در تعریف سرقت گفته شد، اطلاعات ژنتیکی از هر جهت، در قالب هرکدام از نظرات فقها که قرار بگیرد، مالیت دارند. برخی فقها داشتن منفعت عقلایی را ملاک مالیت دانسته‌اند که اطلاعات ژنتیکی منافع عقلایی زیادی دارد که قبلاً گفته شد. برخی فقها، مال را چیزی دانسته‌اند که مردم در دنیا و آخرت به آن احتیاج دارند و همچنین بدون تلاش و کوشش به دست نمی‌آید، در این تعریف نیز اطلاعات ژنتیکی در عصر حاضر برای استفاده‌های زیادی مورد احتیاج هستند. ضمن اینکه به دست آوردن آن‌ها نیز نیازمند تلاش‌های علمی فراوان است و کمتر کسی توان این مسئله را دارد. برخی فقها چیزی را مال معرفی کرده‌اند که دارای خصوصیتی باشد که باعث رغبت دیگران به آن شود و حاضر باشند برای دستیابی به آن متحمل هزینه شوند؛ در این تعریف نیز داده‌های ژنتیکی امروزه بسیار مورد رغبت مجامع علمی و امنیتی دنیا هستند؛ بنابراین براساس آنچه که ذکر گردید، ژنتیک انسان از هر جهت و در همه نگاه‌ها، دارای ویژگی «مالیت» است و می‌تواند موضوع سرقت واقع شود.

## ۲- «پنهانی بودن»

بدون تردید نمی‌توان گفت منظور از «خفیه»، پنهانی بودن عمل از نظر عموم مردم است، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس آن را نبیند؛ زیرا یکی از ادله اثبات جرم سرقت «بینة» هست و بینة یعنی شهادت دادن دو مرد عادل بر دیدن سرقت، بنابراین چگونه می‌توان گفت، هنگام پنهانی بودن صدق می‌کند که هیچ‌کس عمل را ندیده باشد؟ اگر چنین باشد، نیاستی بینة در زمره ادله اثبات جرم سرقت ذکر گردد.

شاهد ثانی در این باره عقیده دارند که منظور از «خفیه» یا «سراً» در تعریف سرقت، پنهانی نبودن عمل از نظر مالک است: «... سرّاً من غیر شعور المالك به» سرّاً، یعنی بدون آگاهی مالک نسبت به بردن مال (زین الدین الجبلی العاملی، ۱۴۱۰، ۲۲۱/۹).

بنابراین اگر سارق وارد خانه یا مغازه شود و اتفاقاً مالک او را ببیند ولی از ترس، خود را پنهان کند و شاهد سرقت اموالش باشد، جرم سرقت صدق نمی‌کند؛ زیرا عمل «خفیه» انجام نگردیده است و حال آنکه از نظر عرف این عمل مخفیانه صورت گرفته است.

به نظر می‌رسد منظور از مخفیانه بودن این است که سارق بنا دارد، عمل خویش را در خفا و پنهان انجام دهد و تمهیدات لازم را نیز برای مخفی نگاه داشتن عمل خویش فراهم نموده است، اگرچه به طور اتفاقی صاحب مال یا دیگران شاهد عمل او باشند. کسی که در تاریکی شب و بدون سروصدا به قصد سرقت وارد منزل دیگری می‌شود، عرفاً عمل او در خفاء و پنهان انجام شده است، اگرچه صاحب خانه به طور اتفاقی شاهد جریان سرقت باشد.

بی شک این شرط نیز بر سرقت اطلاعات ژنتیک انطباق دارد؛ چراکه امور مرتبط با ژنتیک امری است تخصصی و نیاز به وجود آزمایش‌های متعدد است و از این نظر مخفی است و همچنین اطلاعات ژنتیک هر کشور در بانک اطلاعات قرار داد؛ چراکه با توجه به خصوصیتی و ارزشی که امروزه برای اطلاعات ژنتیکی وجود دارد، در محله‌ای مناسبی نگهداری می‌شوند و بسیار از آن‌ها صیانت می‌شود و با توجه به مقررات سختی که برای خیانت در این موضوع وجود دارد، قطعاً برداشت علنی این اطلاعات برای استفاده‌های غیرسالم، کار آسانی نیست، لذا عموماً سرقت اطلاعات ژنتیکی به صورت نامحسوس صورت می‌گیرد.

### ۳-۲- محاربه

#### ۳-۲-۱- تعریف محاربه

برای اینکه روشن شود که آیا امکان انطباق محارب بر افشاءکننده اطلاعات ژنتیکی وجود دارد یا

نه، لاجرم به تعریف محاربه همت گماشته می‌شود؛ در تعریف محاربه آمده است:

- «و هو کلّ من جرد السلاح لإخافة الناس، فی برّ أو بحر، لیلاً أو نهاراً، فی مصر و غیره، ذکراً أو أنثی» (حلی، ۱۴۱۰، ۱۸۶/۲).

- «المحارب هو الذی یجرد السلاح، و یکون من أهل الریبة، فی مصر کان أو غیر مصر، فی بلاد الشّرك کان

أو فی بلاد الإسلام، لیلاً کان أو نهاراً. فمتی فعل ذلک، کان محارباً» (طوسی، بی تا، ۷۲۰).

- و هو من جرّد السلاح للإخافه فی مصر أو غیره لیلاً أو نهاراً و إن كان امرأة بشرط الریبه (شهید اول، ۱۷۱۴، ۵۹/۲).

- و المحارب، هو کلّ من قصد إلى أخذ مال الإنسان، و شهر السلاح فی برّ، أو بحر، أو حضر، أو سفر» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۱۹/۲).

در مجموعه تعاریف یاد شده، برخی قیود به‌طور مشترک ذکر شده‌اند. قید «تجرید یا نشان دادن سلاح» از جمله این قیود است که در همه تعاریف آمده است. «قصد ارباب» نیز از قیود مشترک تعاریف است که مخالفی در بین فقها ندارد. عدم تفاوت در زمان، مکان و جنسیت فاعل نیز برای تحقق محاربه، از نکات مشترک تعاریف است. اما در بین تعاریف یاد شده، «اهل ربه بودن و نبودن» مورد اختلاف فقها بود، اما بیشتر فقها آن را معتبر ندانسته بودند. به نظر می‌رسد ذکر این قید در تعریف محاربه ضروری نباشد؛ چراکه هرچند فردی تا زمان فعل، دارای سابقه اوباش‌گری و مشهور به این عمل نباشد، اما این بار قصد ارباب کرده و با تجرید سلاح و سایر اقدامات بخواهد به هدف خود برسد. از این جهت است که بیشتر فقها این قید را ذکر نکرده‌اند و یا تصریح به عدم اعتبار آن کرده‌اند و برخی نیز قوی یا ضعیف بودن فاعل را فاقد اعتبار معرفی کرده‌اند که این امر نیز ناظر به عدم سابقه اوباش‌گری و اهل ربه بودن برای فرد است؛ چراکه فردی که ضعیف است و در حالت عادی کسی از او رعب ندارد، این بار قصد ارباب کرده و اقدام به تجرید سلاح و ... می‌کند، محاربه محقق می‌شود. همچنین برخی فقها، صرف «قصد ترساندن» را کافی دانسته هرچند با فعل مرتکب، خوف ایجاد نشده باشد. بنابراین، می‌توان محاربه را در تعریفی با جمع بین تعاریف یاد شده، با تبعیت از نگاه مشهور، این چنین تعریف کرد که:

محاربه عبارت است از نشان دادن و تهدید با سلاح یا هر چیزی که به‌عنوان سلاح استفاده کند، با قصد ترساندن و ایجاد رعب و وحشت در مخاطب از هر طریق و در هر مکان و زمان.

### ۳-۲-۲- انطباق مفهوم محاربه بر افشای اطلاعات ژنتیک

همان‌طوری که در تعریف محاربه گفته شد، محاربه عبارت است از تجرید سلاح با قصد ایجاد رعب و وحشت؛ در این تعریف دو عنصر مهم وجود دارد: تجرید سلاح و قصد رعب و وحشت. انطباق مفهوم محاربه بر افشای اطلاعات ژنتیک منوط بر این است که دو عنصر مذکور محقق شود، در غیر این صورت این انطباق محقق نخواهد شد. در رابطه با عنصر اول مفهوم افشا با تجرید می‌تواند هم‌خوانی داشته باشد؛ چراکه نتیجه هر دو مفهوم چیزی جز اظهار امری نیست؛ لکن در انطباق مفهوم سلاح بر اطلاعات ژنتیک جای تردید و ابهام

وجود دارد؛ چراکه عرفاً به اطلاعات ژنتیکی سلاح گفته نمی‌شود؛ گرچه ممکن است با دسترسی بر اطلاعات ژنتیکی، سلاح‌های - که عرفاً بر آن اطلاق سلاح می‌شود - تولید شود که اثردهی بیشتری داشته باشد. بله، از باب اطلاق مسبب بر سبب به‌نحو مجاز ممکن است، گفته شود افشای اطلاعات نوعی سلاح است، لکن همان‌طوری که روشن است از باب مجاز است نه از باب حقیقت. در رابطه با عنصر دوم نیز باید گفت قصد رعب و وحشت در افشای اطلاعات قابل تصور است؛ بدین صورت که شخصی اطلاعات ژنتیک را در اختیار گیرد و با آن مردم و یا کشوری را تهدید کند که با این اطلاعات اعمال مجرمانه انجام خواهد داد. با توجه به آنچه گفته شد، عنوان محارب بر افشای‌کننده اطلاعات ژنتیک قابل انطباق نیست.

### ۳-۳- افساد فی الارض

#### ۳-۳-۱- مفهوم افساد فی الارض

افساد فی الارض یکی از جرائمی است که دارای مبانی فقهی بوده و در قرآن نیز از آن بحث شده است که این امر نشان‌دهنده اهمیت آن است. اما در متون فقهی - جز در موارد محدودی - بحث خاصی به‌طور مستقل به افساد اختصاص داده نشده (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۵۰۰/۲)؛ بلکه در لابه‌لای مباحث فقهی، گاه علت مجازات قتل برخی از مجرمان مفسد فی الارض بودن مرتکبان عنوان شده است. برجسته نبودن عنوان افساد در متون فقهی و طرح مباحث آن در ضمن موضوعات دیگر، موجب بروز این شبهه شده است که اصولاً جرمی تحت عنوان افساد فی الارض وجود ندارد. لذا در نظر است ماهیت این پدیده در فقه بررسی و سپس ارتباط آن به بحث افشای اطلاعات ژنتیکی مورد مطالعه قرار گیرد.

فساد به معنای نقیض صلاح و ضد صلاح به‌کاررفته است (ابن منظور، 1997، ۱۲۸/۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۱۳؛ جوهری، ۱۴۲۰، ۱۲۴/۲). همچنین واژه «فسد» و «فساد» به معنای زوال صورت از ماده (خوری، ۱۳۷۴، ۱۶۳/۴) تغییر، بطلان، اضمحلال (زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۶۴/۵)، لهو و لعب، قحط، خشکی (ابن منظور، ۱۹۹۷، ۱۲۹/۵) و گرفتن مال به صورت ظالمانه (فیروزآبادی، ۱۴۲۴، ۲۷۷) به کار رفته است. همگی این معانی را می‌توان از مصادیق معنای نخست (ضد صلاح) برشمرد.

راغب، فساد را به معنای خارج شدن شیء از حالت اعتدال دانسته و می‌نویسد: «الفساد خروج الشیء عن الاعتدال، قليلاً كان الخروج عنه او كثيراً و يصاده الصلاح و يستعمل ذلك في النفس و البدن و الاشياء الخارجة عن الاستقامة» (راغب، المفردات، ۱۴۲۴، ۶۳۶).

تعریفی که راغب از فساد ارائه می‌دهد، به نظر می‌رسد تعریف جامعی است که مصادیق دیگر فساد را نیز در خود جای می‌دهد. تتبع در آیات قرآن نیز مؤید کلام راغب است؛ زیرا به رغم آنکه فساد در آیه «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس» (روم: ۴۱) به معنای قحط و خشکی و در آیه «لذین لا یریدون علواً فی الارض و لا فساداً» (قصص: ۸۳) به معنای گرفتن مال دیگری به قهر و غلبه و به صورت ظالمانه و در آیه «لو کان فیهما الهة الا الله لفسدتا» (انبیاء: ۱۲۱) به معنای بطلان و اضمحلال به کار رفته است، لیکن قدر جامع همگی آنها تحقق امری بر ضد صلاح و خارج شدن امر از حالت اعتدال است.

با توجه به معنای لغوی فساد می‌توان قتل، ظلم، کفر، جنگ، تزییع حقوق دیگران و اخلال در احکام الهی، قوانین و مقررات اسلامی را که همگی ضد اصلاح‌اند، از مصادیق افساد برشمرد.

باوجود روشن بودن معنای این عبارت، در مورد اینکه مقصود از «فی‌الارض» چیست؟ دو احتمال وجود دارد: احتمال نخست آن است که محل حلول فساد و ظرف ارتکاب این گناه کره خاکی زمین است. به این ترتیب افساد فی‌الارض بر هر گناهی که در روی زمین صورت گرفته باشد، صادق خواهد بود؛ هرچند گناهی کوچک و در محلی دور از چشم دیگران - مثلاً خانه‌ای - بوده و اثر تخریبی آن از همان محدوده کوچک فراتر نرود. احتمال دیگر آن است که قید «فی‌الارض» کنایه از گستردگی عمل مرتکب و گویای بر پا کردن فساد در منطقه یا ناحیه‌ای از زمین باشد. این احتمال با برداشت مفسران و فقها و نیز فهم عرفی از این عبارت مناسب‌تر است (مکارم شیرازی، گنجینه آرای فقهی - قضایی (نسخه الکترونیکی): کد سؤال ۶۴۸۴).  
باتوجه به مطالب بالا می‌توان گفت «مفسد فی‌الارض کسی است که منشأ فساد گسترده‌ای در محیطی شود، هرچند بدون توسل به اسلحه باشد، مانند قاچاقچیان مواد مخدر و کسانی که مراکز فحشا را به‌طور گسترده ایجاد می‌کنند» و یا اینکه «مفسد فی‌الارض کسی است که امنیت اجتماعی را به هم بزند هرچند بدون توسل به اسلحه باشد» (مکارم شیرازی، گنجینه آرای فقهی - قضایی (نسخه الکترونیکی): کد سؤال ۶۴۸۴)؛ بنابراین هر فعلی که فساد گسترده‌ای را به دنبال داشته باشد، مصداق افساد فی‌الارض است.

### ۳-۲- انطباق مفهوم افساد فی‌الارض بر افشای اطلاعات ژنتیک

مهم‌ترین عنصر افساد فی‌الارض، گستردگی فساد است؛ بدین‌صورت هر عملی که آثار تخریبی گسترده‌ای به دنبال داشته باشد افساد فی‌الارض خواهد بود، خواه با سلاح باشد، خواه بدون سلاح. از یک‌طرف باتوجه به اینکه عنوان استعمال سلاح در ماهیت افساد فی‌الارض اخذ نشده است؛ اشکالی که در مبحث محارب گفته شد، در اینجا مطرح نیست؛ چراکه گفته شد عرفاً بر اطلاعات ژنتیک سلاح اطلاق نمی‌شود، هرچند زمینه‌ای

ایجاد سلاح را فراهم کند. از طرف دیگر نفس افشای اطلاعات ژنتیکی فساد نیست؛ هر چند ممکن است به واسطه آن زمینه‌ای فساد ایجاد شود. لذا به نظر می‌رسد عنوان افساد فی الأرض نیز بر افشای اطلاعات ژنتیکی قابل انطباق نباشد.

۳-۴- جاسوسی

۳-۴-۱- مفهوم جاسوسی

در تعریف جاسوسی آمده است: جاسوسی عبارت است از تحصیل اطلاعات سری و محرمانه و دادن آن‌ها به دولت یا دولت‌های بیگانه اعم از این‌که مرتکب ایرانی باشد یا غیر ایرانی. (ریاست جمهوری، قانون مجازات ۱۳۸۲، ۳۳۵).

برخی دیگر جاسوسی را به «جمع‌آوری و تملک اطلاعات و تعلیمات اسناد قابل‌استفاده یک کشور خارجی بر ضد امنیت کشور خارجی دیگر» تعبیر کرده‌اند (حمدل، ۱۳۹۴، ص ۲).

باتوجه به تعاریف مذکور، می‌توان گفت، جاسوسی دو عنصر دارد: تحصیل اطلاعات و دادن آن به دولت خارجی؛ به نظر می‌رسد، هر دو عنصر بر سرقت اطلاعات ژنتیکی صدق می‌کند.

به هر روی، فقها با استناد به ادله‌ای از قرآن کریم و روایات و همچنین با توجه به اهمیت حفظ اطلاعات و جلوگیری از افشای اطلاعات نزد دشمن، به خصوص افشای اسرار دولت اسلامی (اطلاعات حکومتی و امنیتی)، حکم به وجوب اختفای اطلاعات مسلمین از دشمن و حرمت جاسوسی برای آنان داده‌اند (نجفی کاشف الغطاء، ۱۳۸۱، ۲۵/۱). از جمله آیاتی که در این بخش نیز قابل‌استفاده است، آیه ۲۷ سوره انفال است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال، آیه ۲۷). در این آیه از خیانت عمدی به صراحت نهی شده است. برخی با استناد به این آیه جاسوسی را مصداق بارز خیانت (میانجی، ۱۴۱۱، ۲۳۶) در آیه «وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ» (سوره انفال، آیه ۷۱) دانسته‌اند؛ چراکه اظهار اطلاعات مخالفت واضح با حکم وجوب صیانت از اطلاعات و حفظ نظام است. قباحت و حرمت جاسوسی و اظهار اطلاعات به دشمن به حدی است که در بین فقها بحث در جواز قتل یا عدم جواز قتل برای جاسوس است.

همچنین در آیه بعد اشاره می‌کند: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال، آیه ۲۸). برخی مفسران می‌گویند این آیه نشان می‌دهد برخی به بهانه حفظ دارایی‌ها و فرزندان از گزند دشمن اقدام به خیانت و جاسوسی می‌کنند که این باعث جواز نمی‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴/۴۵۶). در این آیات از

افشای اطلاعات مسلمین به دشمن و خیانت به مسلمین نهی شده است؛ چراکه هم به استقلال و منافع جامعه اسلامی لطمه می‌زند و هم هویت دینی آن را تهدید می‌کند (طباطبایی، ۵۵/۹).

برخی اندیشمندان اسلامی نیز، «حذر» در آیه ۷۱ سوره نساء را به معنی حفظ و مراقبت در برابر لو رفتن اسرار نظامی تعبیر کرده؛ چراکه عیون و جاسوسان دشمن را در کمین دانسته‌اند و این به معنای وجوب حفظ اسرار از دشمن است. مرحوم فیض کاشانی نیز «حذر» را به معنی بیداری و حفظ آمادگی در برابر دشمن آورده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۲۲۱/۱). بدیهی است اختفای اطلاعات از دشمن از مصادیق حفظ آمادگی در برابر دشمن است؛ چراکه قطعاً دشمن درصدد کسب اطلاعات برای تضعیف سپاه اسلام است و باید در برابر این حملات اطلاعاتی آماده بود و از فاش شدن اسرار جلوگیری کرد.

حتی در بحث ذمی، از شرایط پذیرش اقامت او در بلاد اسلامی، شرط شده که با جاسوس مشرکان و کفار همکاری نکند (سزواری، ۱۴۲۱، ۳۷۰/۱؛ مجلسی، ۷۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹، ۴۵۶؛ کرکی، ۱۴۱۴، ۳۷۷/۳) و در صورت همکاری با آنان در امور جاسوسی و افشای اطلاعات، امداد مشرکین و محاربه با مسلمین محسوب می‌گردد (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل‌البیت (ع)، بی تا، ۱۴۴/۱۲).

در اینکه افشای عمدی اسرار به دشمن (جاسوسی) دارای مجازات است اختلافی نیست؛ اما در نوع مجازات حسب عقاید فرد جاسوس متفاوت است. بسیاری از فقهای شیعه (طوسی، بی تا، ۱۵/۲؛ ابن‌البراج، ۱۴۰۶، ۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۵۰۵/۱). برخی از علمای اهل سنت معتقدند چنانچه جاسوس مسلمان باشد، تعزیر می‌شود هر چند برخی معتقد به احکامی مانند اعدام، زندان، تبعید (طیسی، بی تا، ۳۳۷) برای او هستند؛ اگر جاسوس حربی یا ذمی باشد، برخی فقها حکم به قتل داده‌اند (نووی، ۳۴۲/۱۹). البته این احکام و نوع مجازاتها با استناد به آیات و روایت و برخوردهای مختلف پیامبر (ص) با جاسوسان مختلف، موردنقد قرار گرفته‌اند (طوسی، بی تا، ۱۵/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۵۰۵/۱)؛ هر چند در حکم به اصل حرمت جاسوسی اختلافی ندارد.

### ۳-۴-۲- انطباق مفهوم افشای اسرار مسلمین بر افشای اطلاعات ژنتیکی

با توجه به کلیت حرمت افشای اسرار مسلمین و اینکه هر موضوعی که دارای طبقه‌بندی حفاظتی بوده و نباید به دست دیگران برسد، جزء اسرار محسوب می‌شود، بدیهی است اطلاعات ژنتیکی از محرمانه‌ترین اسرار مسلمین بوده و افشای آن‌ها نزد افراد فاقد صلاحیت، تبعات بسیار ناگواری در پی خواهد داشت، لذا در حرمت آن تردیدی نخواهد بود. بنابراین اگر کسی از هر طریقی به اطلاعات ژنتیکی دست یافت، ملزم به

امانت‌داری و حفاظت از آن‌ها است و هرگونه کوتاهی در این مورد، عنوان حرمت و مجرمانه داشته و مسئولیت به دنبال دارد.

### ۳-۵- اقدام علیه امنیت ملی

#### ۳-۵-۱- مفهوم اقدام علیه امنیت ملی

ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای است که به قصد برهم زدن امنیت و اخلال در نظم عمومی و یا به قصد صدمه زدن به حیات حکومت اسلامی و ساقط کردن آن صورت می‌گیرد. در این دسته از جرائم هدف اصلی ضدیت با اساس حکومت یا دولت وقت است. این جرائم شامل سوءقصد به مقامات سیاسی کشور و مراجع بزرگ تقلید و توهین به مقامات سیاسی و خارجی، توهین به مقامات مملکتی در حین انجام وظیفه یا به سبب آن، تشکیل یا اداره جمعیت و احزاب ممنوعه؛ اغوا یا تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر و عملیات خرابکاری و تروریسم می‌شود. با تعریفی که از محاربه در قانون مجازات اسلامی<sup>۱</sup> گذشت، یکی از بارزترین مصادیق اقدام علیه امنیت ملی، محاربه است. و همچنین جاسوسی و ضربه سنگین به کشور از مصادیق دیگر آن است. در حقوق ایران حتی برای اقدام علیه امنیت ملی در سطوح پایین مانند فعالیت‌های تبلیغی هم مجازات مشخص شده است: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد» (ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی).

#### ۳-۵-۲- انطباق مفهوم اقدام علیه امنیت ملی بر افشای اطلاعات ژنتیک

همان‌طوری که در مطلب پیشین ذکر شد، اقدام علیه امنیت ملی عنوان عامی است که جرایم گسترده‌ای را شامل می‌شود که هدف از این جرایم ضدیت با حکومت است؛ بنابراین در افشای اطلاعات ژنتیک اگر هدف از آن ضدیت با حکومت باشد؛ به‌عنوان مثال اطلاعات ژنتیک کشور، به خراج از کشور انتقال داده شود و یا اینکه به‌نحوی در سطح عموم افشاء شود و زمینه سوءاستفاده کشورهای متخاصم را ایجاد کند، عنوان اقدام علیه امنیت ملی را به خود خواهد گرفت. این اقدام علیه امنیت ملی نیز گاهی در قالب عنوان جاسوسی می‌توان تحت پیگرد قرار گیرد، مانند جایی که اطلاعات به‌صورت مخفی به

۱- ماده ۲۷۹ قانون یاد شده: محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.



سرویس‌های جاسوسی انتقال داده شود و می‌تواند در قالب عنوانی غیر از جاسوسی بروز داشته باشد، مانند اینکه اطلاعات ژنتیک را در فضای مجازی قرار دهد، بدون اینکه مرتکب عمل جاسوسی شود.

#### ۴- قواعد فقهی منطبق بر افشای اطلاعات ژنتیک

در این بخش به بررسی قواعدی خواهیم پرداخت که ممکن است بر افشای اطلاعات ژنتیک منطبق باشد. در واقع در این بخش فارغ از احکام کیفری منطبق بر افشای اطلاعات ژنتیک، بر این موضوع تکیه می‌شود که آیا بر فرض عدم انطباق احکام کیفری معهود بر افشای اطلاعات ژنتیک می‌توان با استناد به برخی از قواعد فقهی افشای اطلاعات ژنتیک را جرم‌انگاری کرد؟ به نظر می‌رسد از میان قواعد فقهی دو قاعده لاضرر و نفی سبیل قابلیت انطباق بر موضوع را دارد:

#### ۴-۱- قاعده لاضرر

کیفیت انطباق قاعده بر افشای اطلاعات ژنتیک مبتنی بر مفاد قاعده است؛ از آن جهت که در مورد مفاد قاعده احتمالات متعددی داده شده است، لذا برابر برخی از احتمالات قابلیت انطباق دارد و بنا بر احتمالات قابلیت انطباق ندارد. برای مفاد قاعده، احتمالات زیادی ذکر شده که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- مراد از «لاضرر و لاضرار» این است که در اسلام حکم ضرری وضع نشده است (انصاری، بی‌تا،

۱۶۳/۲؛ آقا ضیاء، بی‌تا، ۲۶۲/۳).

۲- کسی نمی‌تواند به دیگری و یا به خودش ضرر بزند (خراسانی، بی‌تا، ۴۶۶/۲؛ لنگرانی، ۵۳۹/۱۳).

۳- احتمال دیگری نیز وجود دارد که «لاضرر» حکم ضرری را نفی نمی‌کند بلکه ضرری را نفی می‌کند

که قابل تدارک نباشد (لنگرانی، ۵۳۷/۱۳).

۴- معنای دیگری که برای ضرر ذکر شده این است که ضرر امر وجودی است که از پدید آمدن نقص

در جان، مال و آبرو، پدید می‌آید (عراقی، بی‌تا، ۱۳۰).

هرکدام از احتمالات یاد شده که برای معنای قاعده ذکر شد، لازم است بر موضوع افشای اطلاعات

ژنتیک منطبق گردند تا مشخص گردد که قاعده یاد شده می‌تواند مبنای حرمت افشای اطلاعات ژنتیک گردد

یا خیر؛ بر این اساس هرکدام از احتمالات یاد شده را مورد بحث قرار می‌دهیم؛ احتمال اول بحث از حکم

ضرری است به این معنی که اسلام حکمی را وضع نمی‌کند و مکلفی را به تکلیفی ملزم نمی‌کند که ضرری به

دنبال داشته باشد. به نظر می‌رسد این معنی برای قاعده، برای احکام وجوبی و استحبابی قابل بهره‌برداری

باشد به طوری که در فقه، حکم به وجوب یا استحباب فعلی داده نشده است که مستلزم ضرر برای مکلف یا

دیگران باشد. این معنی از قاعده ارتباط زیادی به موضوع افشای اطلاعات ژنتیک پیدا نمی‌کند. احتمال دوم برای معنای قاعده که فقها ذکر کرده‌اند، کاملاً منطبق بر موضوع مورد بحث این پژوهش به نظر می‌رسد؛ چراکه در این معنا، کسی مجاز به ضرر زدن به خود و دیگری نیست. از آنجاکه سرقت اطلاعات ژنتیکی برای سوءاستفاده از آن‌ها (تغییر در نسل، کشتار، ایجاد بیماری و ...) منتهی به ضرر فجیع به دیگران خواهد شد لذا حتی اگر هم تعاریف یاد شده از سرقت را منطبق بر بحث ژنتیک ندانیم و اشکالاتی از جهت مالیت داشتن بر آن وارد کنیم، بر مبنای این قاعده نیز می‌توان حکم حرمت این فعل را استنباط کرد. در احتمال سوم بحث از ضرری است که قابل جبران نباشد و باید گفت تغییرات ژنتیکی در نسل آدمی قابل تدارک نیست و وقتی شخصی با سوءاستفاده از اطلاعات ژنتیکی سرقت شده، دچار عوارضی مانند عقیم شدن، بیماری‌های سخت و ... گردد، جبران‌ناپذیر است. لذا بر مبنای این معنی برای قاعده لا ضرر نیز این قاعده مستند حرمت افشای اطلاعات ژنتیک خواهد بود. در احتمال چهارم از معنای قاعده گفته شد که مراد از «ضرر» در این قاعده ضرر جانی، مالی و آبرویی است. بر این معنا، افشای اطلاعات ژنتیک تحریم خواهد شد؛ چراکه هرگونه استفاده از این اطلاعات برای تغییرات نسلی، نژادی، مغزی، ایجاد بیماری و ... ضررهای سنگینی برای انسان‌های هدف در پی دارد. بنابراین قاعده لا ضرر می‌تواند مستند مناسبی برای تحریم جابجایی اطلاعات ژنتیکی برای سوءاستفاده از آن‌ها باشد. البته اگر این سرقت فقط برای پیشرفت مطالعات علمی درباره انسان بوده و هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای علیه افراد از آن‌ها نشود، این قاعده قابل بهره‌برداری نیست؛ چراکه ضرری در بین نیست.

#### ۴-۲- قاعده نفی سبیل

از قواعد مهم فقهی که هم آیات قرآن و هم اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده و فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعی قرار داده‌اند قاعده‌ی نفی سبیل است (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۳۴۹/۱). مطابق این قاعده هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیرمسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند مورد نهی واقع شده است (مازندرانی، ۱۴۲۵، ۲۳۷/۱). سرقت داده‌های ژنتیکی و رسیدن آن به دشمنان اسلام، باعث تسلط کفار بر مسلمین شده و از موارد نهی شده در قاعده نفی سبیل است. لذا اگر سارق، باهدف رساندن اطلاعات به دشمن اقدام به سرقت کند، علاوه بر اینکه مرتکب سرقت و جاسوسی شده و این اقدام او علاوه بر ادله تحریم یاد شده در بخشه‌ای قبل، مشمول نهی در قاعده نفی سبیل نیز هست.

#### نتیجه‌گیری

۱- یکی از ذخیره‌های ارزشمند که گنجینه هر کشور است منابع ژنتیکی آن است که باید از نقطه نظر قانون‌گذاری، پژوهشی و اجرا در راستای حفاظت یا استفاده بهینه از آنها تلاش کرد. در حال حاضر، بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک بیش از هر فن‌آوری نوین دیگری، چهره جهان را متحول ساخته است. پیشتازی این فنون، دست‌یابی بشر به نیروها و منابع طبیعی را بیشتر کرده است.

۲- افشای اطلاعات ژنتیکی از جمله اعمالی است که فی‌نفسه مفسده‌انگیز نیست؛ چراکه اطلاعات ژنتیک هم دارای کاربردهای مثبت است و هم دارای کاربردهای منفی است و در صورتی که افشاء‌کننده اطلاعات ژنتیک با هدف کاربری مثبت، مثلاً با مطالعه روی آنها به کشفیاتی دست یابد و به نام خود تمام کند و هدف او فقط رسیدن به معلومات علمی جدید باشد، در این صورت عمل او مجرمانه نخواهد بود. اما چنانچه با قصد کاربری منفی اقدام به دستبرد به اطلاعات ژنتیک کند، مانند ضربه زدن به مسلمین و کمک به دشمنان، عنوان مجرمانه به خود خواهد گرفت و در قالب عناوین مجرمانه همچون سرقت، جاسوسی قابل پیگرد خواهد بود.

۳- افشای اطلاعات ژنتیک با فرض اینکه مضمول عناوین مجرمانه همچون سرقت و جاسوسی نباشد، بحث انتقال اطلاعات ژنتیکی برای سوءاستفاده علیه صاحبان آن داده‌ها، مضمول تحریم قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر و قاعده نفی سبیل نیز هست و از این جهت نیز می‌توان این پدیده را منهی‌عنه دانست.

#### منابع

- آساد، محمدتقی (۱۳۹۷ش). مبانی ژنتیک. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). المهذب. قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۹۹۷م). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی (۱۴۰۰ق). یک دوره فقه کامل فارسی. قم: مؤسسه و انتشارات فراهانی.
- اکرمی، سید محمد؛ باستانی، امیر (۱۳۸۷ش)، چالش اخلاقی با پزشکی قانونی ژنتیک، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۳۸۷ش، ش ۱ و ۲.
- انصاری، زکریا، ابو یحیی زکریا بن محمد (بی‌تا). أسنی المطالب فی شرح روض الطالب. بیروت: دار الکتاب الإسلامی.
- انصاری، مرتضی (بی‌تا). فرائد الاصول. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- انگدال، ویلیام؛ ترجمه: قاسم دلیری (۱۳۹۸ش). بذره‌های نابودی. تهران: ققنوس.
- تورکسن، کورساد؛ ترجمه: صادقی، امین؛ مطلبی، رویا (۱۳۹۷ش). ویرایش ژنوم. تهران: انتشارات صالحیان.
- جزائری، عبد الله بن نور الدین (بی‌تا). التحفة السنیة فی شرح النخبة المحسنیة. تهران: بی‌جا.

جزیری، عبد الرحمن، غروی، سید محمد، یاسر مازح ۱۴۰۷ق. الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام. بیروت: دار الثقلمین.

جماعیلی حنبلی، أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة، الشهير بابن قدامة المقدسی (۱۴۱۴ق). الکافی فی فقه الإمام أحمد. بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى.

چیان، جهانگیر (۱۳۹۴ش). کلیات پزشکی و بهداشت ژنتیک و سلامتی. گیلان: دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گیلان.

حجاوی مقدسی، موسی بن أحمد (بی تا). الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل. بیروت: دار المعرفة. الحدادی الحنفی، أبو بکر بن علی بن محمد الحدادی العبادی الزبیدی الیمنی الحنفی (۱۳۲۲ق). الجوهرة النيرة. المطبعة الخيرية.

حلّی، ابن ادريس (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خوری، سعید (۱۳۷۴ق). اقرب الموارد. نشر دار الاسوة. دمشق حنفی، ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز (۱۴۱۲ق). رد المحتار علی الدر المختار. بیروت: دار الفکر.

راغب، حسین بن محمد (۱۴۲۴ق). المفردات. دمشق: دار القلم. سبزواری، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق). کفاية الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

سمرقندی، ابوليث (۱۳۵۵ق). فتاوی النوازل فی فقه الحنفی. حیدرآباد: مطبعه شمس الاسلام. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق). غاية المراد فی شرح نکت الإرشاد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية في فقه الإمامية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر). قم: کتابفروشی داوری.

شیرازی، ابو اسحاق (بی‌تا). المذهب فی فقه الامام الشافعی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طیبسی، نجم الدین (بی‌تا). النفی و التغریب فی مصادر التشريع الإسلامی. قم: بی‌جا.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: مکتبه المرتضویه؛

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۷ق). الخلاف. قم: جامعه مدرسین.

طوسی، محمد بن الحسن (بی‌تا). النهاية. بیروت: دار الاندلس.

عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج حسینی (۱۴۱۶ق). کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۴ق). القاموس المحيط. تهران: دار الفکر.

فیض کاشانی، ملا محسن. الاصفی فی تفسیر القرآن. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.  
مازندرانی، علی اکبر سیفی (۱۴۲۵ق). مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیة الأساسية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۲۴ق). السرة علی ضوء القرآن و السنة. قم: انتشارات کتابخانه و چاپخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره.

مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰). اصول الفقه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

معلوف، لويس (۱۳۸۰ش). المنجد. ترجمه مصطفی رحیمی اردستانی. تهران: صبا.

میانجی، علی احمدی (۱۴۱۱). الأسیر فی الإسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۳۷۳ق). منیة الطالب فی حاشیة المكاسب. تهران: المکتبه المحمديه.

نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

النفراوی الازهری المالکی، أحمد بن غانم (أو غنیم) بن سالم ابن مهنا (۱۴۱۵ق). الفواکه الدوانی علی رسالة ابن أبی زید القيروانی. بیروت: دار الفکر.